



بهبود مهارت انشا نویسی دانش آموزان دو زبانه کردی زبان – فارسی زبان دوره اول

متوسطه منطقه حمیل

نام و نام خانوادگی نویسنده اول : نعمت جهان‌فر

وابستگی سازمانی نویسنده : دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۳ کرمانشاه

چکیده

در این پژوهش شیوه های موثر در بهبود درس انشا مورد بررسی قرار گرفته است، و نشان داده شده است کدام شیوه ها کاربردی تر هستند و در کلاس درس موثر می باشند. این پژوهش در قالب اقدام پژوهی در مدارس منطقه حمیل انجام شده است و مدرسه حضرت ولی عصر (عج) جهت اجرای طرح انتخاب شده است. برنامه ای که برای آموزش و بهبود درس انشا در این پژوهش در نظر گرفته شده است بر اساس تقویت اعتماد به نفس و با روش کاربردی بر مبنای انگیزش تخیل دانش آموزان تنظیم شده است. این شیوه از جمله سازی شفاهی آغاز می شود در ادامه به نگارش الگویی و سپس به نگارش خلاق ختم می شود. در این روش با تکیه بر اصل ساده نویسی و اصل توجه به درست گویی و درست نویسی طراحی شده است و با توضیح ارتباط گفتار و نوشتار به دانش آموز کمک می کند تا بر ترس خود در نوشتن غلبه کند. این روش دانش آموز را وادار به تفکر، خوب دیدن، خوب شنیدن و استفاده درست و مناسب از حواس می کند و در نهایت وادار به نوشتن می کند. فراگیر با تکیه بر اصل تقویت اعتماد به نفس، با استفاده از اصل الگوی ساده سخن گفتن و با بکارگیری دانش های زبانی و مشارکت دیگر دانش آموزان و نظارت و هدایت معلم گام به گام به وادی نوشتن قدم می نهد. همچنین در زنگ انشا سعی شده است درک حسی، عاطفی، تخیلی و هنری.... دانش آموزان را تقویت کنیم تا راه را برای ادامه مراحل بعد هموار سازیم.

واژگان کلیدی: انشا، تقویت درس انشا، انواع انشا، شیوه های گروهی

مقدمه

انشا در لغت به معنی ایجاد، پرورش، ابداع و خلق کردن است و آنچه را که امروزه فن انشا گفته می‌شود از نخستین معنای آن " ایجاد" گرفته شده است. یعنی انشا به معنی ایجاد کلام و سخن و نگارش است و معادل فارسی انشاء دبیری است که به منشی‌گری و کتابت می‌باشد و دبیری، فنی است که انسان به وسیله آن می‌تواند منویات خود را بر روی کاغذ بیاورد (انوشه پور، ۱۳۸۶).

انشا در اصطلاح نویسندگی علمی است که برای ادای مقاصد و بیان معانی موجود در ذهن به کار می‌رود با عباراتی درست و رسا و فصیح که شایسته مقام و درخور درک و فهم شنونده ی کلام باشد یا می‌توان گفت: مقصود از تعلیم انشا پرورش ذوق و توسعه فکر و تقویت اندیشه های منظم و منطقی و مهارت در بیان مطلب است بطور ساده و صحیح (در خشان، ۱۳۷۸).

ذهن کودکان همانند چشمه ای است که از دل زمین می‌جوشد و آب زلال و گوارا بیرون می‌تراود اگر به موقع آن « را هدایت نکنیم آبراهه های باریکی از آن به این سو و آن سوی خواهند دوید و قطره هایی به هدر خواهند رفت سنگ بزرگی برده‌انه چشمه می‌گذاریم و با خاک رویش را می‌پوشانیم مبادا که قطره ها هدر روند اما از آب زلال چشمه ی جوشان نیز بی‌نصیب می‌مانیم، تعجب نکنید ما گاه چنین می‌کنیم، با چشمه های جوشان ذهنهای بارور و خلاق دانش آموزان چنین می‌کنیم اما این کار را در کلاسهای نگارش انجام می‌دهیم اما از شدت تکرار بدان خو گرفته‌ایم آثار و تبعات زیانمندش را از یاد برده‌ایم (رشد آموزش راهنمایی زمستان ۱۳۷۲، شماره ۵).

توانایی در نوشتن، در حدی که نیازهای زندگی را رفع کند، برای همه کس لازم و ضروری است زیرا آنچنان کاربرد گسترده و همه‌جانبه‌ای دارد که هیچ کس نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از آن بداند. با این حال بسیاری از نوشتن یک انشای مدرسه‌ای، حتی یک نام شخصی یا اداری ناتوان و گریزانند در حالیکه هرکس با آگاهی یافتن از ارزشهای عملی و کاربردهای نویسندگی در حد رفع نیازهای روزمره با کمی کار و کوشش می‌تواند مفاهیم ذهنی و مقاصد خود را به آسانی و بی‌تشویش خاطر بنویسد و یا بازگو کند (سر کشیکی، ۱۳۷۵، ۴).

توصیف وضعیت موجود و بیان مسئله

دانش آموزان مورد مطالعه در این پژوهش دانش آموزان مدارس منطقه حمیل می‌باشند که دانش آموزان آموزشگاه آیت الله گلپایگانی جهت انجام این پژوهش انتخاب شده‌اند.

نگارنده این سطور مهر ماه سال تحصیلی ۸۸/۸۹ به عنوان دبیر انشا وارد کلاس پایه دوم شدم طبق معمول و روال سنوات

گذشته موضوعی را برای نوشتن انشا تعیین کردم و موضوع انشا را روی تابلو کلاس نوشتم از دانش آموزان خواستم در خصوص موضوع تعیین شده ابتدا خوب فکر کنند، سپس انشایی بنویسند، اما با ممانعت دانش آموزان روبرو شدم اکثر آن‌ها از انجام فعالیت نوشتن خودداری می‌کردند تنها عدهٔ خیلی تمایل داشتند که بنویسند، آن‌ها هم از صحبت‌ها و گفته‌هایش معلوم بود احساس ترس نسبت به نوشتن داشتند. اکثر دانش آموزان مایل بودند به جای نوشتن انشا به ورزش بپردازند پس از بحث و تبادل نظر معلوم شد در سنوات گذشته فعالیت‌های نگارشی را در خانه انجام داده و نوشتن انشا را به افراد دیگر واگذار نموده‌اند و دانش آموزان هیچ‌گونه دخل و تصرفی در نوشتن انشاهای خود نداشته‌اند.

پس از بحث و تبادل نظر با دانش آموزان معلوم گردید که همگی نسبت به نوشتن ترس دارند بعضی‌ها می‌ترسیدند قلم بر کاغذ بیاورند و بنویسند و بعضی ابراز کردند از این می‌ترسند مورد خنده و استهزاء دیگر دانش آموزان قرار بگیرند، ترجیح می‌دادند انشا ننویسند تا این که مورد خنده قرار بگیرند.

پیشینه پژوهش:

نصیری (۱۳۷۳) در پایان نامهٔ خود بیان می‌کند: با نگاهی به برنامه درسی آموزشگاه‌های جهان در گذشته‌های بسیار دور تا به امروز در می‌یابیم تنها درسی که همیشه در برنامه درسی وجود داشته است و به عنوان اصلی‌ترین درس‌ها به شمار می‌رفته است همانا درس مهم و سرنوشت ساز زبان و ادبیات بود. تدریس انشا در آغاز به صورت شفاهی بود به خصوص در یونان باستان، روم، اروپای قرون وسطی، و نیز در هند و چین بعدها به صورت مکتوب در آمد و تربیت کاتبان، بخش مهمی از فرآیند مدرسه‌ای را تشکیل می‌داد. در کشورهای غربی درس انشا محدود می‌شد به اصول ادبی ارسطو و بلاغت قدیم و کسانی چون: کوبین‌لی، سیرو و سنکا با اختراع ماشین چاپ، تدریس انشا به صورت مکتوب تغییر یافت و در قرن هجدهم به طور کامل به صورت برنامه ریزی شده درآمد.

در این باره آقای احمد حسین زاده پژوهشی انجام داده و به این نتایج رسیده است معلمان انشا مثل معلمان دیگر دروس برای درس انشا طراحی آموزشی داشته باشند و با اصول و مبانی آن انشا بشوند و ارزیابی انشا براساس اصول علمی و معیارهای پذیرفتنی صورت گیرد. ماجلان (۱۳۸۵) پژوهشی انجام داده و به این نتایج رسید. تاکید به نوشتن انشا در کلاس درس و حضور معلم دارد نه نوشتن در منزل و نیز بر شیوه داستان نویسی و داستان گویی که توام با علاقه و دقت دانش آموزان باشد دارد که می‌تواند قوه تخیل و گنجینه‌ی لغات آنها را بالا ببرد و در جهت پیشرفت تحصیلی در بلند مدت تاثیر فراوانی خواهد داشت. (مشکی، ۸۵)

گردآوری اطلاعات (شواهد ۱)



برای بدست آوردن اطلاعات مفید و مناسب در خصوص مسئله بیان شده تصمیم گرفتیم علاوه بر بحث و تبادل نظر با دانش آموزان ابتدا موضوع را با مدیر آموزشگاه در میان گذاشتیم. مدیر آموزشگاه پس از بررسی مسئله مورد نظر مایل به همکاری با من گردید. سپس با همکاری مدیر آموزشگاه با اولیای دانش آموزان جلسه ای برگزار نمودیم موضوع را با آنان در میان گذاشتیم. آنها نیز از وضع موجود ناراضی بودند و از اینکه فرزندشان در نوشتن انشا مهارت کافی ندارد و مجبور هستند بار نوشتن انشا را به افراد دیگر محول کنند گله و شکایت داشتند.

مسئله را با افراد صاحب نظر در سطح منطقه و کسانی دستی در نوشتن و نگارش داشتند در میان گذاشتیم آنان نیز راههای مناسبی را به من یادآوری کردند سپس موضوع را در جلسه گروههای آموزشی منطقه مطرح نمودم راهکارهایی ارائه شد. مطالب مفید را یادداشت نمودم.

. تجزیه و تحلیل اطلاعات :

پس از مطالعه اسناد و مدارک و مراجعه به منابع معتبر علمی و بحث و تبادل نظرهایی که به عمل آمد و مشکلات و کاستیهای درس انشا تا حدودی مشخص گردید و راهکارهای متعدد و مناسب و روشهای صحیح تدریس درس انشا کم و بیش فهرست گردید.

خلاصه یافته های اولیه :

- ۱- برخی از علل فعال نبودن دانش آموزان در کلاس های درس انشا به شرح ذیل بود :
- ۲- تدریس نشدن درس انشا در مدارس توسط معلمان ، یعنی به دانش آموز آموزش نمی دهیم ولی از آنها آزمون انشا به عمل می آوریم .
- ۳- عدم اطلاعات کافی معلمان در خصوص آموزش انشا ، نانشاخته ماندن ارزش انشا و نگارش و کاربرد آن در زندگی روزمره
- ۴- نداشتن انگیزه مناسب برای نوشتن
- ۵- عدم ارائه موضوع در حد توان دانش آموز
- ۶- عدم توجه معلمان دوره ابتدایی به آموزش صحیح جمله سازی و کاربرد کلمات
- ۷- عدم به کارگیری طراحی آموزشی در درس انشا



۸- انشا نبودن معلمان به ادبیات کودک و نوجوان

۹- بی توجهی به اهمیت گنجینه واژگان کودک

۱۰- نداشتن معیار و ملاک در ارزشیابی درس انشا

۱۱- بی توجهی به راههای شکوفا سازی خلاقیت های کودکان و نوجوانان

۱۲- عدم توجه به علایق و انگیزه ها و توان فکری دانش آموزان

۱۳- جذاب نبودن درس انشا برای دانش آموزان

۱۴- عدم توجه و دقت دانش آموزان به موضوع انشا

۱۵- عدم ارائه موضوعات محسوس و ملموس در درس نگارش

۱۶- ننوشتن انشا در کلاس و نوشتن در منزل و واگذار کردن آن به دیگران

۱۷- ضعف در جمله سازی و تداوم در ساخت جملات

۱۸- ضعف در بکارگیری زبان فارسی و عدم انشایی با دانش های زبانی

۱۹- کمبود وقت درس انشا یک ساعت در هفته

اصول مبانی انشا نویسی :

پس از جمع آوری اطلاعات و تحقیقات لازم در رابطه با مسئله مورد نظر در تدریس انشا مانند دروس دیگر باید اصول و مبانی یژهای را در نظر داشت .

اصولی که باید در نوشتن انشا و یا به طور کلی در نگارش باید رعایت کرد :

۱- از دادن موضوعات خشک و تکراری غیر محسوس پرهیز کرد زیرا باعث خستگی و بیزاری دانش آموز از انشا می شود .

۲- خوب فکر کردن : زیرا برای خوب نوشتن باید به خوب فکر کردن عادت کنیم .

۳- تقویت اعتماد به نفس و پروراندن انگیزه می توانم خوب و زیبا بنویسیم .

۴- خوب دیدن : یعنی اینکه با دقت و موقع دیدن حواست را جمع کی

۵- خوب شنیدن : یعنی شنیدن با دقت (فرخ مهر ، ۱۳۷۸).

۶- توجه به هدف ، موضوع و ربط منطقی مطالب با یکدیگر

۷- در نظر گرفتن خواننده : نوشته افکار ما را بدون سوءتعبیر به خواننده منتقل می کند

۸- استفاده از جملات کوتاه و مناسب : باعث می شود پیام زودتر منتقل گردد .

۹- ترجیح ساده نویسی بر پیچیده نویسی

۱۰- پرهیز از کلمات دور از ذهن

۱۱- رعایت قواعد دستور زبان و به کار گرفتن شیوه صحیح خط فارسی

۱۲- به کار بردن افعال در وجه معلوم

۱۳- به کار بردن لغات ، اصطلاحات یا عباراتی که معنای قطعی و مشخص دارند .

۱۴- رعایت نشانه گذاری (انوشه پور ، ۱۳۸۶).

۱۵- داشتن طراحی آموزشی برای انشا

۱۶- نباید روی یک یا دو قالب مرسوم انشا تأکید کرد بلکه با توجه به شرایط هر کلاس از انواع قالب ها استفاده کرد .

۱۷- به انشا نباید به صورت کل تجزیه ناپذیر نگاه کرده می توان انشا را به مراحل و اجزای گوناگون تقسیم کرد .

۱۸- هر کس نمی تواند معلم انشا باشد . معلم انشا باید نخست آموزش کافی ببیند و قدرت نوشتن و تشخیص نوشته ی خوب را داشته باشد .

۱۹- برای ارزشیابی انشا باید معیارهای روا و عملی تعیین کرد .

۲۰- استفاده از جملات ادبی به جای جملات زبانی .

انتخاب راه جدید به صورت موقت :

انشا انواع مختلفی دارد برخی از آنها به صورت زیر می باشد:

۱- انشای تحقیقی: همانطور که از نامش پیداست یعنی بررسی در امر و موضوعی که با واقعیت سر و کار دارد و نوشتن آن مستلزم داشتن اطلاعات کافی از اصول علمی و مبانی عقلی و منطقی است .

۲- انشا وصفی: وصف به معنی توصیف و تعریف کردن چیزی یا کسی که پا از حد متعارف فراتر نهد در چنین نوشته ای بر خلاف انشا تحقیقی که سر و کار با عقل و منطق و استدلال دارد عنان اختیار مرکب قلم در دست نویسنده است و بستگی به ذوق و احساس او دارد تا هر کجا که می تواند آن را براند (بذلی، ۱۳۶۳).

۳- گزارش: شامل گزارش های تحقیقی ، اجتماعی ، سیاسی ۴- داستان نویسی

۵- مقاله نویسی: اجتماعی ، سیاسی ، فلسفی ، علمی ، دینی ، تاریخی

۶- نامه نگاری ۷- خاطره نویسی ۸- انشای شفاهی ۹- انشای تصویری از طریق نمایش عروسکی

۱۰- طنز ۱۱- خلاصه نویسی ۱۲- جمله نویسی ۱۳-

روش های پیشنهادی :

پس از تحقیق و بررسی های متعدد منابع علمی ، در خصوص موضوع مورد نظر و تبادل نظر با همکاران و صاحب نظران زبان و ادبیات فارسی با انواع روش های تدریس انشا مواجه شدیم و به این نتیجه رسیدیم برای آموزش انشا راه های مختلف و بیشماری وجود دارد و تنوع در روش انشا نویسی بیش از دیگر درس هاست .

با توجه به شرایط و وضعیت کلاس سعی بر آن گردید روشهای آموزش انشا در دوره ابتدایی دوباره به کار گرفته شود و ضعف های پایه از نظر جمله سازی و بیان جملات برطرف گردد و از لحاظ روحی روانی ضمیر دانش آموز مستعد نوشتن گردد و ترس و واهمه ای که نسبت به نوشتن داشته بر اثر تمرین و تکرار برطرف یا اصلاح گردد تا بدون هیچ گونه هراسی هر چه بر زبان جاری کردند به صورت مکتوب در بیاورند. سپس از روش هایی که متناسب با وضعیت کلاس می باشد مورد استفاده قرار گیرد و اگر موثر واقع نگردید کنار گذاشته شود و اگر مفید واقع شد آموزش داده شود و در هر مرحله ضعف برطرف شود و بر نکات قوت تأکید گردد .

همچنین دانش های زبانی و آرایه های ادبی در حد لزوم آموزش داده شود تا دانش آموزان در نوشته های خود از دانش های زبانی استفاده نمایند. سپس از روش های مجسم و نیمه مجسم به شیوه شاگرد محور و مشارکتی که از فعال ترین روش های نگارش و از جدیدترین

رویکردهای انشا می‌باشد استفاده گردد و بعد از انجام تمرینات و فعالیت‌های گروهی و آماده شدن دانش آموزان، آنگاه به انجام فعالیت‌های انفرادی بپردازند .

اجرای طرح جدید و نظارت بر آن :

با توجه به شرایط و اوضاع کلاس لازم و ضروری دانستم ابتدا آموزش پایه ای و اساسی انجام شود و پس از آموزش هر مرحله و رفع ضعف ها و نقایص ، مراحل دیگر به دانش آموزان آموزش داده شود و در آموزش هر مرحله خودم را به عنوان یک دوست کمکی در کنار دانش آموزان قرار دادم نه به عنوان کسی در مقابل آنها ، و در هر مرحله ضعف ها و مشکلات با خوش رویی و ملایمت توضیح داده شد سعی بر این داشتم دانش آموزان وارد میدان نوشتن گردند (جهان‌فر، ۱۳۸۹) .

مرحله اول : آموزش جمله سازی (جمله زبانی)

این مرحله شامل چندین مرحله می شود و در هر مرحله تمرینات متنوع و مختلفی انجام گردید و پس از رفع ضعف ها و نقایص مرحله ی دیگر آموزش داده شد .

الف : آموزش مفهوم جمله

برای دانش آموزان بیان گردید جمله یک یا چند کلمه می باشد که معنی و مفهومی را برساند . جملاتی به عنوان مثال بیان گردید .

مثال : احمد به بازار رفت. علی کجا رفت ؟ برو . بیا .

جملاتی از این قبیل بیان گردید و برای دانش آموزان مشخص گردید که طول جملات از نظر تعداد کلمات یکسان نمی باشد احتمال دارد جمله ای با یک کلمه بیان شود و جملات دیگر با تعداد کلمات بیشتری بیان شود و نیز مفهوم جمله کامل و ناقص آموزش داده شد.

ب : جمله سازی شفاهی : ابتدا اشیائی از قبیل کتاب، دفتر، مداد، خودکار و ... به دانش آموزان داده شد و از آنها خواستم در خصوص اشیا جملاتی را به صورت شفاهی بیان کنند و اگر دانش آموزی ضعفی داشت مشکل برطرف گردید و سعی بر این بود که از زبان محلی استفاده نگردد.

جمله سازی با کلمات : در این مرحله کلماتی بیان کردم و از دانش آموزان خواستم جملاتی را با کلمه داده شده بیان کنند و سپس یادداشت نمایند و اگر جمله ای ایرادی داشت با همکاری دیگر دانش آموزان اصلاح می کردیم .

د : جمله سازی با تصاویر : تصاویر مختلفی از قبیل تصاویر طبیعت، مدرسه، خیابان و ... به دانش آموزان نشان دادم و از آنان خواستم در رابطه با تصاویر با توجه به درکشان جملاتی را بیان کنند که باعث تقویت مهارت سخن گفتن آن ها نیز می گشت .

ح : ساختن جملات مختلف با یک کلمه : کلمه ای را بیان می نمودم و از تک تک دانش آموزان خواستم با کلمه ی داده شده جمله ای بیان کنند به طوری که جملات مثل هم نباشند بعد از بیان جملات از دانش آموزان خواستم جملات بیان شده را بنویسند پس از انجام این مرحله برای دانش آموزان مشخص گردید که با یک کلمه می توان جملات فراوانی نوشت .

مرحله دوم : آموزش انواع جمله

در این مرحله بیان گردید جملات به چهار دسته یا نوع تقسیم می گردند .

الف) جمله خبری : جمله است که خبری را به ما می دهد . مثال : حسن آمد . درس را نوشتم .

ب) جمله پرسشی : جمله ای است که پرسشی را مطرح می کند و در پایان آن علامت (؟) می گذاریم . مثال : آیا حسن در کلاس بود ؟ دیروز به مدرسه رفتی ؟

ج) جمله امری : جمله ای است که انجام کاری یا درخواست انجام کاری را مطرح می کند .

مثال : شهیدان را یاد کنید .

د) جمله عاطفی : احساس ما را نسبت به کسی یا چیزی یا کسی نشان می دهد .

مثال : چه انقلاب بزرگی ! چه هوایی !

مرحله سوم : گسترش جملات و بکارگیری حروف ربط در نوشته ها

در این مرحله ابتدا جمله ای بیان نمودم مثلاً دیروز به کوه رفتم از دانش آموزان خواستم با استفاده از حروف ربط مانند اگر ، و ، اما ، پس تا ، چون ، چه ، خواه ، زیرا ، که ، لیکن ، نیز ، ولی ، هم ، با ، از آنجا ، از بس ، اکنون که ، اینکه ، در حالی ، در نتیجه و که نقش و کاربرد این حروف را توضیح داده بودم جمله بیان شده را ادامه دهند و هر کدام جمله ای بیان کنند و آن را به جمله قبلی ربط دهند بدین صورت گاهی اوقات این فعالیت تا چندین بار در کلاس تکرار می شد و جملاتی زیبا و مرتبط با هم بیان می گردید . پس از انجام چند بار تمرین جملات بیان شده را روی تخته کلاس می نوشتم و هر موقع لازم بود تذکرات لازم و ضروری را بیان می نمودم

و بیشتر دانش آموزان را تشویق می نمودم جمله بیان کنند هر چند جملات ساده و ابتدایی بیان می نمودند (جهان‌فر، ۱۳۸۹).

مرحله چهارم: آموزش بند نویسی یا نوشتن پاراگراف یا انشای کوتاه

برای دانش آموزان توضیح دادم هر بند از چند جمله تشکیل می شود و یک مطلب خاص را بیان می کند ولی در کل، مجموعه بندها با هم ارتباط موضوعی دارند. سپس در اختیار هر گروه یک کتاب داستان نهادم و از آنان خواستم بندهای داستان را مشخص کنند، پس از اینکه به مفهوم بند پی بردند کلماتی را برای آنان بیان کردم و از دانش آموزان خواستم با همکاری هم در خصوص کلمات ارائه شده یک بند بنویسند.

مرحله پنجم: نمایش فیلم کوتاه و نوار قصه و انجام نمایش عروسکی

در این مرحله برای تنوع بخشیدن به فعالیت ها و ایجاد علاقه بیشتر و زدودن کسالت از کلاس با استفاده از نمایش فیلم های کوتاه و نوار قصه، شور و رغبت خاصی به کلاس بخشیده شد و در پایان نمایش فیلم ها و نوارهای قصه از دانش آموزان خواستم خلاصه ای از آنچه را دیده اند یا شنیده اند بنویسند و برای دیگر دانش آموزان بیان کنند بعد از اینکه این فعالیت چندین بار صورت گرفت فیلم نمایش های عروسکی را در کلاس به نمایش درآوردیم و از دانش آموزان خواستیم پس از دیدن نمایش، نقش شخصیت های نمایش را بر عهده بگیرند و نمایش را در کلاس اجرا نمایند که هم باعث تقویت اعتماد به نفس و هم باعث مشارکت اجتماعی دانش آموزان و نیز مهارت سخن گفتن آنان تقویت می گشت.

مرحله ششم: کتاب خوانی و ایفای نقش

در این مرحله لازم دانستم برای گسترش دامنه واژگان دانش آموزان و انشا نمودن آنان با متون داستانی و به کارگیری صحیح جملات، کتابخانه ای در یکی از اتاق های آموزشگاه دایر نمودم و هر هفته دو نفر از دانش آموزان که فعالیت بیشتری داشتند به عنوان مسئول کتابخانه انتخاب نمودم به طوری که در طول چند هفته یکبار این مسئولیت به همه دانش آموزان می رسید و بدین صورت کتابخانه آموزشگاه فعال گردید و با استقبال زیاد دانش آموزان روبرو شد. برخی زنگ های کلاس داستان های کوتاهی را در اختیار دانش آموزان قرار دادم و از آنان خواستم به صورت گروهی داستان را اجرا کنند و خود را به جای شخصیت های داستان قرار دهند و جملاتی را که خود دوست دارند به متن داستان اضافه کنند یا جریان داستان را به هر سمت و سویی که دوست دارند سوق دهند. . بعضی اوقات نیز داستانهای محلی که به صورت شفاهی نقل می شد به صورت نمایش اجرا می کردند و شور وصف ناپذیری به کلاس می بخشید و باعث تقویت کلامی هرچه بیشتر دانش آموزان می گشت.

مرحله هفتم : نوشتن انشای ساده با تقسیم اصلی به موضوعات فرعی

تا این مرحله دانش آموزان با بند نویسی و نوشتن انشای های کوتاه انشا گشته بودند و به آنان آموزش دادم که برای نوشتن انشا سعی کنند جملات ساده و روان به کار ببرند و بر جمله نویسی صحیح تأکید شود و از بکار بردن جملات پیچیده و مبهم خودداری شود. جملات را تکرار نکنند و جملات را با استفاده از حروف ربط به هم مربوط سازند بعد از نوشتن انشا، انشای خود را ویرایش کنند.

هنگام نوشتن انشا، برای بهتر نوشتن می توان موضوع اصلی انشا را به چند موضوع فرعی تقسیم کرد و در رابطه با هر کدام از موضوع های فرعی می توان یک بند نوشت و پس از ویرایش بندها، بندها را در کنار هم قرار داده تا تبدیل به یک انشای منسجم گردد و یک نمونه نیز با همکاری خودم و مشارکت دانش آموزان انجام شد. موضوع انشا درخت بود. از دانش آموزان خواستم موضوع اصلی را به چند موضوع فرعی تقسیم کنند آنان موضوع اصلی را به موضوع های فرعی زیر تقسیم نمودند:

۱- انواع درختان ۲- فواید درختان ۳- باغبان درخت ۴- خالق درخت

سپس از هر گروه خواستیم در مورد یکی از موضوعات فرعی یک بند بنویسند که کمتر از پنج سطر نباشد بعد از نوشتن از آنان خواستم جملات را دسته بندی و ویرایش کنند و فعل ها و کلمات و حروف اضافی را حذف کنند. پس از انجام ویرایش تمام بندها را در کنار هم قرار دادیم و به صورت یک انشای منسجم درآمد. پس از نوشتن چند نمونه انشا در خصوص، مدرسه، روستای خود و..... با روش فوق و تعویض افراد گروه و کاهش افراد گروه از پنج نفر به چهار نفر و سپس سه نفر و بعد دو نفر و یک نفر دانش آموزان خود قادر به نوشتن انشا به تنهایی و بدون کمک از دیگران شدند.

بعد از انجام مراحل فوق دانش آموزان به نوشتن علاقمند گردیدند و دیگر هراسی از نوشتن نداشتند و تمام دانش آموزان در فعالیت های نگارشی شرکت می کردند و دیگر کسی مایل به نوشتن انشا در خانه نبود، با جمله سازی کاملاً انشا گشته بودند دیگر مثل گذشته از کلمات محلی استفاده نمی کردند. فعالیت های نگارشی را در حد توان انجام می دادند و با اعتماد به نفسی که کسب کرده بودند قادر به انجام تکالیف خود بودند. وضعیت صحبت کردن دانش آموزان بهبود یافته بود از زبان محلی دیگر استفاده نمی شد فقط بعضی اوقات کلماتی که معادل فارسی آنها را نمی دانستند بیان می کردند.

اما از بررسی نمونه انشاهای دانش آموزان در این مرحله مشخص گردید هنوز جا برای کار کردن زیاد است و ضعف هایی وجود دارد که باید برطرف گردد.

مهم ترین ضعف های نگارشی در این مرحله به صورت زیر بود:

جملات ساده و ابتدایی به کار می‌بردند. علایم نگارشی را رعایت نمی‌کردند و با علایم نگارشی بیگانه بودند. جملات به صورت زبانی به کار می‌بردند. بیشتر بر عینیات و واقعیات تأکید می‌کردند. از تخیل خود استفاده نمی‌کردند. با آرایه های ادبی کاملاً بیگانه بودند. جملات تکراری به کار می‌بردند.

مرحله هشتم: آموزش و بکارگیری علایم نگارشی

با توجه به این که علایم نگارشی و کاربرد آن‌ها برای دانش آموزان ناشناخته بود و نمی‌دانستند چه موقع از علایم نگارشی استفاده کنند لازم دانستم علایم نگارشی را که برای آنان ضروری بود آموزش دهم و بدانند چه وقت آن‌ها را بکار گیرند. علایم زیر را به آنان آموزش دادم و از آنان خواستم علایم و کاربرد آن‌ها را در دفتر آموزش انشانویسی خود یادداشت نمایند.

نقطه (.) ویرگول(,) خط فاصله (-) سه نقطه(...) کمان()

مرحله نهم: آموزش نوشتن جملات ادبی

این مرحله اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مرحله آموزش می‌باشد، لازم بود برای بخشیدن غنای بیشتر و بخشیدن هنر و زیبایی به جملات، زیبا و جذاب کردن نوشته‌ها جملات به صورت ادبی بیان گردد و تا حد ممکن از بیان جملات زبانی خودداری گردد. در این مرحله لازم و ضروری بود دانش آموزان برای نوشتن جملات از تخیل خود استفاده کنند و سعی شود، جملات به صورت خیالی بیان شود. برای آموزش این مرحله ضروری بود آرایه‌های ادبی از قبیل تشبیه، جان بخشی به اشیاء، استفاده از خیال، بکارگیری کلمات مترادف، کلمات متضاد، رعایت مراعات نظیر و ... آموزش داده شود.

ابتدا برای دانش آموزان توضیح دادم برای زیباتر کردن نوشته‌های خود لازم است موارد زیر را یاد گرفته و سعی شود در نوشتن آن‌ها را به کار گیرند.

الف: تشبیه: یعنی مانند کردن چیزی به چیز دیگر یا ادعای همانندی میان دو یا چند چیز است.

مثال: علی چون شیر است. در این مثال علی از لحاظ شجاعت، به شیر مانند شده است.

کلاس چون باغی پر از گل است. کتاب دوستی مهربان است.

مثال‌های زیادی از این نوع جملات تشبیهی بیان گردید و کلماتی به دانش آموزان داده شد و از آنان خواستم با کلمات جملات

تشبیهی بسازند.

ب: جان بخشی به اشیا یا شخصیت بخشی

هرگاه ویژگی‌ها و رفتارهای انسان را به غیر انسان نسبت دهیم به آن «شخصیت بخشی» یا «تشخیص» می‌گویند. و نیز بیان گردید یکی از زیبایی‌های ادبی شخصیت بخشی به اشیا ست و در این رابطه مثال‌هایی ذکر گردید.

خورشید لبخند زد. در این مثال لبخند زدن از رفتارهای انسان می‌باشد به خورشید نسبت داده شده است.

خورشید بیدار شد. بیدار شدن از رفتارهای انسان می‌باشد به غیر انسان نسبت داده شده است. ابر گریه کرد. باد آواز می‌خواند. مثال‌های فراوانی از این قبیل بیان گردید.

ج: کلمات مترادف: کلمات مترادف کلماتی هستند که تقریباً هم معنا هستند و نویسندگان برای زیباتر کردن نوشته‌های خود از این گونه واژه‌ها استفاده می‌کنند. مثال: سختی و رنج کار خود را کرد. در این مثال سختی و رنج هم معنی می‌باشند.

پیامبر با فرزندان خود به مهر و عطوفت رفتار می‌کرد. مهر و عطوفت هم معنی می‌باشد.

د: کلمات متضاد: کلمات متضاد کلماتی هستند که ضد و مخالف هم می‌باشند مانند جوان با پیر، سرد با گرم که هر کلمه، کلمه دیگر را نفی می‌کند. بکارگیری این گونه کلمات در جملات زیبایی خاصی به نوشته می‌بخشد.

ج) مراعات نظیر: آوردن واژه‌هایی از یک مجموعه است که با هم تناسب دارند و در کل از یک مجموعه می‌باشند. مانند مجموعه‌های زیر: ابر، باد، مه، خورشید و کتب، درس، مدرسه، کلاس

ط) تلمیح: برای دانش‌آموزان توضیح دادم که شاعران یا نویسندگان برای زیباتر ساختن نوشته‌های خود و تأثیرگذاری بیشتر آن، به اشاره و غیره مستقیم از آیات، روایات، احادیث، داستان‌ها و رویدادهای مهم تاریخی و اساطیری و استفاده می‌کنند. به این شیوه بهره‌گیری از کلام، «تلمیح» می‌گویند. مثال‌هایی از این قبیل ذکر شد.

- ذات او دروازه‌ی شهر علوم، این مصراع ما را به یاد حدیث شریف «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَيَّ بَابُهَا» می‌اندازد.

- چون خلیل از شعله، گل چیدن خوش است، که خواندن این مصراع داستان به آتش افکندن حضرت ابراهیم، خلیل الله و سرد شدن آتش را به یاد می‌آورد.

ی: سجع: نویسندگان برای زیباتر کردن و دلنشین‌تر کردن نوشته‌ی خود، کلماتی هماهنگ به کار می‌برند که واج یا واج‌های پایانی، وزن، یا هر دوی آنها در کلمات یکسان می‌باشد در ست مثل قافیه در شعر که آهنگ شعر را زیباتر می‌کند. وقتی در نشر کلمات هماهنگ بیاید به آن «سجع» می‌گویند.

مثال: توانگری به هنر است نه به مال و بزرگی به عقل است نه به سال

در این مثال کلمات «مال و سال» که در پایان دو جمله آمده‌اند هماهنگ هستند و حروف پایانی آنها مثل هم می‌باشد.

مال با هزینه کردن کم‌آید و دانش با پراکنده شدن بیفزاید.

در این مثال حروف پایانی کلمات آید و بیفزاید مثل هم می‌باشد و هماهنگ می‌باشند.

بعد از یادگیری آرایه‌های ادبی لازم کلماتی را بیان کردم و از دانش‌آموزان خواستم به صورت گروهی و با همکاری یکدیگر با کلمات داده شده جملات ادبی بسازند مثلاً از آنان خواستم با کلمه خورشید جملات ادبی بیان کنند، جملات زیر را بیان کردند:

- خورشید مانند مادری مهربان است. خورشید مانند مادری مهربان دست خود را بر سر شهر کشید.

- خورشید لبخند زد. خورشید بیدار شد. خورشید آرام آرام قدم زد. خورشید آسمان را ترک کرد و به خانه‌ی خود رفت.

- خورشید مانند پرنده‌ای طلایی پر کشید. خورشید مانند یک شکارچی کمان خود را کشید و عالم را به سلطه‌ی خود درآورد.

سپس از دانش‌آموزان خواستم با کلمه‌ی کلاس در گروه‌های خود جملات ادبی بسازند. پس از بررسی جملات؛ جملات زیر را

بیان کردند و از آنان خواستم جملات را یادداشت نمایند.

مدرسه‌ی ما چون باغی پر از گل است. در مدرسه‌ی ما غنچه‌های زیبایی شکوفا شده‌اند. از هر گوشه‌ی مدرسه‌ی ما علم و

دانش می‌بارد. مدرسه‌ی ما چون رنگین‌کمانی زیبا در آسمان علم و دانش می‌باشد. مدرسه‌ی ما مانند ابری است که از آن علم و دانش

می‌بارد.

مدرسه‌ی ما مانند ستاره‌ای درخشان در آسمان علم و دانش می‌درخشد.

مدرسه باغی از آینه‌های دوستی است. مدرسه به دانش‌آموزان نور و دانایی می‌بخشد.

مدرسه مانند درختی پر ثمر است که میوه‌های خود را به دیگران می‌بخشد. مدرسه مانند نردبانی است که ما را به کمال و

دانایی می‌رساند.

در مدرسه ما غنچه های زیبایی شکوفا شده اند.

و با کلمات دیگری از قبیل کلاس، کتب، معلم، دانش آموز، ستاره، آب و ... جملات ادبی بیان کردند.

مرحله ی دهم: آموزش انشا نویسی به صورت مجسم با استفاده از جملات ادبی

در این مرحله دانش آموزان را به سه گروه و بر اساس تواناییهای علمی گروه بندی نمودم به طوری که در هر گروه دانش آموز قوی، متوسط و ضعیف قرار داشت سپس از دانش آموزان خواستم یکی از اشیایی که در کلاس وجود دارد انتخاب کنند آنان کتاب را انتخاب کردند. از دانش آموزان خواستم کتاب را به دست بگیرند و خوب نگاه کنند سپس یک جمله ی ادبی با کتاب بیان نمایند. نفاول: کتاب دوست ماست. دومی: کتاب چون غنچه ای زیباست. سومی: کتاب دوست تنهایی ماست. چهارمی: کتاب چون دوستی است که داستان های زیبا و دلنشینی برای ما بیان می کند. نفر بعدی: کتاب لباس زیبایی بر تن دارد. نفرات بعد کتاب چون گلی لب فرو بسته است. کتاب چون دوست داناایی است که راه و رسم زندگی را به ما نشان می دهد. کتاب همدم تنهایی های ماست. کتاب مانند مادری مهربان است که قصه های زیبا برای ما بیان می کند. کتاب چون دریچه ای است که ما را به گذشته می برد. کتاب ما را با خود به جاهای بسیار زیبا در آسمان و سرزمین های دوردست و دریاها به مسافرت می برد... به همین ترتیب جملات زیادی تکرار شد که روی هم تمام دانش آموزان کلاس جملات را گفته بودند. سپس از هر گروه خواستم با جملات بیان شده یک انشا بنویسند توضیحاتی را که لازم بود بیان نمودم و تأکید کردم کلمات و جملات تکراری را بردارید. فعل های متناسب با جملات به کار ببرند. حروف زاید و اضافی را حذف کنند. هر کلمه ای که لازم دانستند جایگزین کلمات دیگر نمایند. جملات زبانی را به جملات ادبی تبدیل کنند. خودم نیز بر کار آنان نظارت می کردم و هر وقت لازم بود راهنمایی ها لازم را ارائه می دادم و خودم را در کنار آنان به عنوان یکی از اعضای گروه قرار می دادم نه در مقابل آن ها.

پس از نوشتن چند مورد انشا در خصوص، تخته کلاس، میز، صندلی، خودکار و ...

مانند نمونه ی بیان شده و تعویض افراد گروه ها وارد مرحله ی بعدی شدیم.

مرحله ی یازدهم: آموزش انشانویسی به صورت نیمه مجسم با استفاده از جملات ادبی

در این مرحله تصویر زیبای نقاشی شده ی خورشید را روی تخته ی کلاس نصب نمودم و از افراد گروه ها خواستم با توجه به تصویر، هر کدام در مورد خورشید یک جمله ی زیبا و ادبی بیان کنند و منشی گروه جملات مربوط به گروه خو را ثبت نماید. جملات زیر بیان گردید.

خورشید لبخند زد. خورشید بیدار شد. خورشید گرمای محبت خود را به عالمیان بخشید. خورشید سر از کمینگاه خود درآورد. خورشید آرام آرام قدم زد. خورشید آسمان را ترک کرد و به خانه ی خود رفت. خورشید مانند مادری مهربان است که دست محبت خود را بر سر همه کس و همه چیزی کشید. خورشید جهان را زنده کرد و از خواب بیدار نمود. خورشید غم ها را زدود.

خورشید چون پرندۀ ای طلایی در آسمان نیلگون پر کشید. خورشید مانند یک صیاد کمان برکشید و عالم را به سلطه ی خود در آورد. ... به این ترتیب جملات بسیار زیبایی بیان گردید سپس از افراد گروه خواستم جملات را کنار هم بگذارند و به هم ربط دهند و ویرایش لازم را انجام دهند و هر جا لازم دانستند جملات را جا به جا کنند و جملات دیگر بنویسند و کلمات متناسب با جملات به کار ببرند و به صورت یک انشا بنویسند.

مرحله ی دوازدهم: نقد و بررسی انشا توسط دانش آموزان

برای رفع نقایص انشا و اصلاح کاستیها و تقویت تجزیه و تحلیل در دانش آموزان و کاهش سرو صدا ها موقع قرائت انشا و تبدیل نشدن فراگیران در موقع قرائت انشا به یک مستمع غیر فعال و قضاوت دانش آموزان در خصوص نوشته هایشان فرمی را به صورت زیر طراحی نمودم و در اختیار دانش آموزان قرار دادم (جهان فر، ۱۳۸۹).

تکمیل کننده:				
موضوع انشا:				
ردیف	نام و نام خانوادگی	محاسن انشا	معایب انشا	نمره

تصویر ۱: فرم نقد و بررسی انشا توسط دانش آموزان

توضیحات کافی در خصوص فرم ارزیابی داده شد و از آنها خواستم هنگامی که دانش آموزی انشا قرائت می کند آنها موظفند محاسن و معایب انشای قرائت شده را در ستون مربوط به محاسن و معایب یادداشت نمایند و با توجه به محاسن و معایب، یک نمره به

انشا بدهند پس از قرائت هر انشا حداقل ۳ نفر از دانش آموزان نظر خود را در مورد انشای قرائت شده بیان می نمودند، ضعف ها را بیان می کردند تا اصلاح گردد و محاسن انشارا یادآوری می کردند تا تکرار گردد.

برای ارزش بخشی به کار تکمیل فرم و توجه دانش آموزان به ثبت دقیق موارد مندرج در فرم توسط معلم به فرم نمره داده می شد که این نمره نیز شامل فعالیتهای نگارشی می شد.

گردآوری اطلاعات شواهد (۲)

پس از انجام تمرینات و بکارگیری روش های ذکر شده و اجرای مراحل مختلف و رفع نقایص در مرحله از مقایسه نوشته های دانش آموزان قبل از انجام طرح و حین اجرای طرح و بعد از پایان طرح، بیان گر این مطلب بود که تغییرات اساسی و بنیادی صورت گرفته بود. از انجام فعالیتها و رفتار دانش آموزان مشخص بود که هیچ گونه ترس و واهمه ای در نوشتن انشا نداشته و از نوشتن انشا احساس شادی می کردند حتی انشایی خارج از فعالیت های کلاسی نیز می نوشتند. انشای خود را با خط زیبا در دفتر انشا ثبت می کردند حتی برای تقویت نویسندگی خود نیز دفتر خاطرات تهیه کرده بودند و خاطرات روزانه خود را با استفاده از جملات ادبی می نوشتند.

سپس پرسشنامه ای تهیه کردم و د ر اختیار دانش آموزان نهادم پس از بررسی پرسشنامه ها معلوم گردید ۱۰۰٪ دانش آموزان مایل به نوشتن انشا در کلاس هستند و دیگر حاضر نبودند نوشتن انشا را به دیگران واگذار کنند و نیز درس انشا برایشان بسیار جذاب گشته بود.

سپس با اولیای دانش آموزان جلسه ای داشتم آنان از بهبود درس انشای فرزندانشان احساس رضایت می کردند و از اینکه فرزندانشان قادر به نوشتن انشا و تکالیف درس نگارش هستند بسیار خرسند بودند و بیان نمودند دیگر مشاجره ای برای نوشتن و واگذار کردن انشا به افراد غیر دانش آموز وجود ندارد.

در جلسه ای شورای دانش آموزی آموزشگاه نتایج طرح مورد نظر مورد بررسی قرار گرفت مدیر و همکاران دیگر اجرای طرح را موفقیت آمیز دانستند و حتی بیانگر این نکته بودند که اجرای طرح باعث تقویت سخن گفتن و بکارگیری زبان فارسی توسط دانش آموزان گشته و دیگر خبری از بکارگیری زبان محلی نیست. همچنین اجرای طرح باعث تقویت و پیشرفت در دروس دیگر نیز گشته بود. د ر نوشتن پاسخ سؤالات از جمله بندی مناسب و صحیح استفاده می کردند و پاسخ سؤالات کاملاً روشن و شفاف بوده و دیگر خبری از جملات ابهام آمیز و نامشخص گذشته نیست.

ارزیابی از نتایج راه حل جدید:

پس از جمع‌آوری اطلاعات حاصل از روش اجرایی به بررسی روش انجام گرفته پرداختیم و نتایج آن به شرح ذیل می‌باشد:

۱- دانش‌آموزان هیچ‌گونه هراسی نسبت به درس انشا نداشتند.

۲- دانش‌آموزان به درس انشا علاقمند شده بودند و شور و شادی آمیختن در کلاس موج می‌زد.

۳- کلاس دیگر خستگی آور و ملال‌انگیز نبود.

۴- دانش‌آموزان با عطوفت و مهربانی انشاهای هم دیگر را مورد بررسی قرار می‌دادند.

۵- نظرات خود را در خصوص محاسن و معایب انشاهای دیگر دانش‌آموزان بیان می‌کردند.

۶- والدین از پیشرفت دانش‌آموزان احساس رضایت می‌کردند.

۷- مهارت سخن‌گفتن، شنیدن، تفکر منطقی در دانش‌آموزان تقویت گردیده بود.

۸- در سخن‌گفتن از زبان مادری استفاده نمی‌کردند.

۹- خودباوری و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان ایجاد شده بود.

۱۰- محتاج به کمک از دیگران نبودند.

۱۱- انشاهای خود را باخط زیبا پس از خواندن در کلاس و رفع اشکال در دفتر انشا ثبت می‌سکردند.

۱۲- از مقایسه‌ی میزان مشارکت دانش‌آموزان در نوشتن انشا قبل و بعد از انجام طرح بهبود وضعیت کاملاً مشخص می‌باشد.

۱۳- از مقایسه نمرات آزمون قبل و بعد از اجرای طرح کاملاً تغییر و بهبود ایجاد شده مشخص بود در زیر نمرات به صورت

نمودار نشان داده شده و نمونه انشا نیز پیوست می‌باشد.

نتیجه گیری

در تدریس درس انشا ابتدا باید ضعفهای اساسی و پایه ای دانش آموزان از نظر جمله سازی و کاربرد جملات را برطرف کرد. خوب دیدن، شنیدن و خوب فکر کردن و اعتماد به نفس را در آنان تقویت کرد تا از نوشتن گریزان نباشند و از ساده نویسی شروع کرد. سعی شود دانش آموز اندیشه های خود را روی کاغذ بیاورد نه جملاتی مطابق با میل معلم.

معلمان انشا نیز برای هر جلسه ی تدریس، طراحی آموزشی تهیه کرده و اهداف آموزش برای هر جلسه از قبل تعیین شده باشد و با روشهای آموزش انشا و زیبا نویسی و کاربرد آرایه های ادبی کاملاً انشا باشند و دانش آموز را تشویق به زیبا نویسی نمایند.

ارزیابی از انشا بر اساس معیارهای علمی صورت گیرد و معیارهای ارزشیابی برای دانش آموزان مشخص و معلوم گردد تا به ارزش کار خود پی ببرند و بتوانند نوشته های خود و دیگران را مورد نقد و بررسی قرار دهند.

منابع و مآخذ

- ۱- امیر ابراهیمی، ترانه، و همکاران. روش تدریس فارسی چهارم ابتدایی، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- ۲- انوشه پور، ابوالفضل. روش تدریس فارسی ابتدایی دوره معلم، کد ۶۰۰۴، سال ۱۳۸۶.
- ۳- بذلی، علی، انشلا و نامه نگاری نوین. چاپ اول، ۱۳۶۳.
- ۴- جهان فر، نعمت، بهبود انشای دانش آموزان با استفاده از دانش زبانی، فصلنامه آموزشی ندای پژوهش، سال هشتم، پاییز ۸۹، شماره ۲۴، اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه، ۱۳۸۹.
- ۵- حریقی، رحیم. انشا و نامه نگاری. چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
- ۶- درخشان، مهدی. درباره زبان فارسی. چاپ دوم، ۱۳۵۸.
- ۷- سرکشیکی، منیژه. امیری، ملک ابراهیم. چگونه املا و انشا بنویسم. چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۸- فرخ مهر، علی. پرورش فکر و انشانویسی. ۱۳۷۹.
- ۹- قاسمی پویا، اقبال. راهنمای عملی پژوهش در عمل. چاپ ششم، ۱۳۸۶.
- ۱۰- کمالی، رودابه. کارگاه انشا. ۱۳۷۲.

۱۱-مشکی ماجلان، محمود. تقویت انشای دانش آموزان. ۱۳۸۵.

۱۲-نصیری، علی اکبر. وضعیت تدریس فارسی در مدارس تهران. ۱۳۷۳.

Improving the essay writing skills of Kurdish-Persian bilingual students in the first year of high school in Homail region

First Author : Nemat Jahanfar bold

(centered)Affiliation: Secretary of Education

Abstract

In this research, the effective ways to improve essay lessons have been examined, and it has been shown which methods are more practical and effective in the classroom. This research was conducted in the schools of Hamil region and the school of Hazrat Wali Asr (AS) was chosen to implement the project. The program that is considered for teaching and improving the essay lesson in this research is based on strengthening self-confidence and with a practical method based on the motivation of students' imagination. This method begins with oral sentence formation, continues with model writing, and then ends with creative writing. In this method, it is designed based on the principle of simple writing and the principle of paying attention to correct speech and writing, and by explaining the relationship between speech and writing, it helps the student to overcome his fear of writing. This method forces the student to think, see well, hear well, and use the senses correctly and appropriately, and finally forces him to write. Relying on the principle of strengthening self-confidence, using the principle of simple speaking pattern, using linguistic knowledge and the participation of other students, and the supervision and guidance of the teacher, the learner steps into the valley of writing step by step. Also, in Zang Essay, we have tried to strengthen the students' sensory, emotional, imaginative and artistic understanding... to pave the way for the next steps. to be

Key words: Essay strengthening essay, types of spelling, group methods